

Extension under the General Conditions of Contract (Publication No. 4311) and Its Relationship with Changes to the Contract Period

Mahin Sobhani¹ | Sahand Nejadi Ijadkar² | Alireza Bazri Sharafshadi³

1. Assistant Prof. , Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran. (Corresponding Author): m_sobhani@guilan.ac.ir
2. Ph.d. student in Private Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran. sahandnejadi69@gmail.com
3. MA. In Criminal Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran. alibazri69lawyer@gmail.com

Article Info

Article type:
Scientific Article

Received:
2025/05/15
Received in revised form:
2025/08/29
Accepted:
2025/10/01

Keywords:
*Permissible Contractor
Delays; Contract Renewal;
Change in the Contract
Period; Contract Extension;
Article 30 of the General
Conditions of Contract.*

Abstract

Given that government contracts are governed by the General Conditions of Contract, there is a possibility that a project may not be completed within the initial contractual period. In such circumstances, the issues of extension of the contract period, changes to the contract period or renewal of the contract may give rise to differences of opinion and disputes. Pursuant to Article 30 of the General Conditions of Contract, entitled "Change in the Contract Period," the employer may extend the contract only to the extent of delays attributable to the contractor that are considered permissible. The instances of such delays are exhaustively enumerated in the ten cases set out in paragraph (a) of that Article. Given the title of the Article and its provision for both reduction and increase of the contract period, it has been argued that the enumerated instances concern changes to the contract period and are distinct from the concept of extension. Furthermore, under paragraph (a)(10) of Article 30 of the General Conditions of Contract, the employer is authorized, in other circumstances that, in the employer's determination, are beyond the contractor's fault, pursuant to paragraph (c) and at the expiry of the initial contract period, to extend or renew the contract. The principal question is whether the General Conditions of Contract distinguish between the concepts of "change in the contract period," "extension of the contract period," and "renewal of the contract." It must also be determined whether the instances specified in Article 30 concerning extension, change, or renewal are exhaustive. Employing a descriptive-analytical methodology, this study concludes that paragraph (c) of Article 30 indicates that there is no distinction between the concepts of "change in the contract period" and "extension of the contract period." However, given the formalities required for the conclusion of a new contract, this Article cannot be understood as providing for the renewal of the contract. Although the legislator has sought to enumerate the circumstances in which a contract may be extended, the inclusion of paragraph (a)(10) of Article 30 has, in practice, created scope for the unregulated expansion of the circumstances in which contracts may be extended. Accordingly, it is recommended that the legislator define the instances permitting contract extension precisely and within clear and limited parameters.

How To Cite

Sobhani, Mahin, Nejadi Ijadkar, Sahand, Sharafshadi, Alireza Bazri. (2026). Extension under the General Conditions of Contract (Publication No. 4311) and Its Relationship with Changes to the Contract Period. *Journal of Judgment*, 126(2), 82-104.
<http://doi.org/10.22034/judg.2025.2060420.1468>

DOI

[10.22034/judg.2025.2060420.1468](https://doi.org/10.22034/judg.2025.2060420.1468)



©2025 The Author(s): This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium. As long as the original authors and sources are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

Publisher

Publications of the Judiciary of Tehran Province

تمدید در شرایط عمومی پیمان (نشریه ۴۳۱۱) و ارتباط آن با تغییر مدت

مهین سبحانی^۱ | سهند نجادى ایجادکار^۲ | علیرضا بذری شرفشادی^۳

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه: m_sobhani@guilan.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، رایانامه: sahandnejadi69@gmail.com
۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، رایانامه: alibazri69lawyer@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی	با توجه به اینکه پیمان‌های دولتی تابع «شرایط عمومی پیمان» هستند، این احتمال وجود دارد که پروژه در مدت قراردادی اولیه به اتمام نرسد. در چنین فرضی، مسئله تمدید مدت، تغییر مدت و یا تجدید قرارداد می‌تواند محل اختلاف نظر و بحث باشد. به موجب ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان، با عنوان «تغییر مدت»، کارفرما صرفاً می‌تواند به میزان تأخیرات مجاز پیمانکار، پیمان را تمدید کند، که مصادیق آن در موارد ده‌گانه بند «الف» ماده مذکور احصاء شده است. با توجه به عنوان ماده و پیش‌بینی امکان کاهش و افزایش مدت، این نظر وجود دارد که مصادیق احصاء شده در این ماده در باب تغییر مدت پیمان است و با مفهوم تمدید متفاوت است. همچنین در ماده ۳۰ «الف» بند ۱۰ شرایط عمومی پیمان، به کارفرما این اختیار داده شده که در موارد دیگری که به تشخیص وی خارج از قصور پیمانکار است، به موجب بند «ج» و در پایان مدت اولیه پیمان، آن را تمدید یا تجدید کند. پرسش اصلی این است که آیا در شرایط عمومی پیمان بین مفاهیم «تغییر مدت»، «تمدید مدت» و «تجدید پیمان» تفاوتی وجود دارد؟ آیا مصادیق ذکر شده در ماده ۳۰ در باب تمدید، تغییر و یا تجدید حصری‌اند؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به این نتیجه می‌رسد که از بند «ج» ماده ۳۰ می‌توان دریافت که تفاوتی بین مفهوم «تغییر مدت» و «تمدید مدت» وجود ندارد، اما با توجه به تشریفات بودن انعقاد پیمان جدید، این ماده نمی‌تواند دلالت بر تجدید پیمان داشته باشد. با اینکه قانون‌گذار سعی در احصاء موارد تمدید پیمان داشته است، پیش‌بینی بند ۱۰ ماده ۳۰، عملاً زمینه را برای گسترش موارد تمدید بی‌ضابطه پیمان فراهم کرده است. از این رو، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار مصادیق تمدید را به‌طور دقیق و محدود مشخص کند.
کلیدواژه: تأخیرات مجاز پیمانکار، تجدید پیمان، تغییر مدت، تمدید پیمان، ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان.	
استناد	سبحانی، مهین، نجادى ایجادکار، سهند، بذری شرفشادی، علیرضا. (۱۴۰۵). تمدید در شرایط عمومی پیمان (نشریه ۴۳۱۱) و ارتباط آن با تغییر مدت، فصلنامه قضاوت، ۱۲۶(۲)، ۸۲-۱۰۴. http://doi.org/10.22034/judg.2025.2060420.1468
DOI	10.22034/judg.2025.2060420.1468
ناشر	انتشارات دادگستری کل استان تهران

مقدمه

پیمان یا به عبارتی قرارداد پیمانکاری، قراردادی الحاقی است که به موجب قوانین و مقررات مربوط به اجرای طرح‌های عمرانی کشور، با عنوان موافقت‌نامه پیمان از سوی دولت تهیه و میان یک سازمان دولتی به عنوان کارفرما از یک طرف و یک شخص حقیقی یا حقوقی به عنوان پیمانکار از طرف دیگر منعقد می‌شود. اکنون این نوع قرارداد در قالب موافقت‌نامه پیمان بر اساس ماده ۲۳ «شرایط عمومی پیمان»، نشریه شماره ۴۳۱۱ سازمان برنامه و بودجه کشور است و دستگاه‌های اجرایی موظف به رعایت آن هستند؛ به طوری که درج شروط مغایر با آن می‌تواند با ضمانت اجراهای سنگین، از جمله بطلان شرط یا حتی کل قرارداد مواجه شود. جامع‌ترین آیین‌نامه موضوع این ماده با عنوان «نظام فنی و اجرایی طرح‌های عمرانی کشور» مصوب سال ۱۳۷۵ هیئت وزیران است، که شکل یکنواخت موافقت‌نامه پیمان را به همراه شرایط عمومی و خصوصی پیمان ابلاغ کرده است (رستمی و مجیبی فر، ۱۳۹۴: ۶۳-۶۰).

در پروژه‌های عمرانی دولتی که بحث بودجه عمومی در آن‌ها مطرح می‌شود، زمان اجرای کامل پروژه موضوع بسیار مهمی است که قانون‌گذار سعی دارد تا با وضع قوانین جلوی سوءاستفاده دستگاه‌های اجرایی و پیمانکاران را از طولانی‌تر شدن پروژه‌ها و هدررفت منابع عمومی بگیرد. در عین حال، قراردادهای پیمانکاری در زمره قراردادهای مستمرند که به مدت زمان مشخص برای اجرای پروژه نیاز دارند (دارویی، ۱۳۹۹: ۲۶۴). با توجه به اینکه در این دسته قراردادهای بنا به دلایل مختلف این امکان وجود دارد که پروژه در زمان مقرر اولیه به اتمام نرسد، یکی از مباحث مهم حول محور این قراردادهای بحث افزایش مدت قرارداد است؛ موضوعی که در ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان مطرح شده است. ماده ۳۰ بخشنامه مذکور با عنوان «تغییر مدت» اظهار می‌دارد:

«الف. در صورت وقوع هریک از موارد زیر که موجب افزایش مدت اجرای کار شود، پیمانکار می‌تواند درخواست تمدید مدت پیمان را بنماید. پیمانکار درخواست تمدید مدت پیمان را با ارائه محاسبات و دلایل توجیهی، به مهندس مشاور تسلیم می‌کند و مهندس مشاور پس از بررسی و تأیید، مراتب را برای اتخاذ تصمیم به کارفرما گزارش می‌کند و سپس نتیجه تصمیم کارفرما را به پیمانکار ابلاغ می‌نماید.

۱. در صورتی که بندهای «الف» و «ج» ماده ۲۹، مبلغ پیمان تغییر کند.
۲. هرگاه به دستور کارفرما یا مهندس مشاور نقشه‌های اجرایی یا مشخصات فنی تغییر اساسی کند.

۳. هرگاه کارفرما در تحویل کارگاه، ابلاغ دستور کارها یا نقشه و تحویل مصالحی که تهیه آن‌ها به عهده او است، تأخیر کند. تأخیر ابلاغ دستور کارها و نقشه‌ها به شرطی مشمول این بند

است که پیمانکار با توجه به برنامه زمانی تفصیلی، آن‌ها را از مهندس مشاور درخواست کرده باشد.

۴. اگر در تحویل مصالحی که فروش آن‌ها لزوماً باید با حواله کارفرما صورت گیرد، تأخیر ایجاد شود، به شرطی که پیمانکار با توجه به برنامه زمانی تفصیلی برای تهیه آن‌ها به موقع اقدام کرده باشد.

۵. در موارد حوادث قهری و همچنین در موارد مربوط به کشف اشیای عتیقه و آثار تاریخی که در مواد ۲۶ و ۴۳ پیش‌بینی شده است.

۶. هرگاه محدودیت برای ورود مصالح و تجهیزات طبق بند "د" ماده ۲۰ پیش آید.

۷. در صورتی که طبق ماده ۴۹ به حالت تعلیق درآید.

۸. در صورتی که قوانین و مقررات جدیدی وضع شود که در تغییر مدت اجرای کار مؤثر باشد.

۹. هرگاه کارفرما نتواند تعهدات مالی خود را در موعدهای درج‌شده در اسناد و مدارک پیمان انجام دهد.

۱۰. موارد دیگری که به تشخیص کارفرما خارج از قصور پیمانکار باشد.

ب. اگر وقوع برخی از موارد درج‌شده در بند "الف" موجب کاهش مدت پیمان شود، مهندس مشاور با کسب نظر پیمانکار، کاهش مدت پیمان را تعیین می‌کند و مراتب را برای اتخاذ تصمیم به کارفرما گزارش می‌نماید و سپس نتیجه تصمیم کارفرما را به پیمانکار ابلاغ می‌کند.

ج. در پایان مدت اولیه پیمان یا هر تمدید مدت پیمان، اگر کار به اتمام نرسیده باشد، مهندس مشاور با کسب نظر پیمانکار و با توجه به موارد تعیین‌شده در بند "الف" علل تأخیر کار را بررسی می‌کند و میزان مدت مجاز و غیرمجاز آن را با توافق پیمانکار تعیین می‌نماید و نتیجه کار را به کارفرما گزارش می‌دهد و سپس نظر کارفرما را در مورد میزان مجاز یا غیرمجاز تأخیر کار به پیمانکار اعلام می‌کند و معادل مدت تأخیر مجاز، مدت پیمان را تمدید می‌نماید.

... هر در اجرای مفاد این ماده، اگر پیمانکار با مهندس مشاور توافق نداشته باشد یا نسبت به تصمیم کارفرما معترض باشد، طبق نظر کارفرما عمل می‌شود و پیمانکار می‌تواند بر اساس ماده ۵۳ برای حل مسئله اقدام نماید».

بند «الف» ماده ۳۰ هم‌زمان که موضوع تمدید قرارداد را مطرح کرده، مصادیق ده‌گانه را از مواردی دانسته است که به افزایش مدت اجرای کار منجر می‌شوند. در عین حال، بند «ب» همان ماده مصادیق مذکور در بند «الف» را از مصادیقی دانسته است که می‌توانند به کاهش مدت پیمان بینجامند. به‌کارگیری تعبیر افزایش و کاهش مدت، این برداشت را تقویت می‌کند که این مصادیق

از موارد تغییر مدت پیمان و لزوم انعقاد قرارداد جدید هستند. با این حال، بند «ج» ماده ۳۰، تمدید مدت در پایان مدت اولیه را منحصرأ به فرض تمام‌نشدن کار و مستند به تحقق مصادیق ده‌گانه بند «الف» در قالب تأخیرات مجاز محدود کرده است. گرچه ظاهر ماده حاکی از تفاوت در بندهای سه‌گانه «الف، ب و ج» است، بند «ج» مجدداً با توجه به استنادش به مصادیق ده‌گانه بند «الف»، در واقع سازوکار اجرایی افزایش مدت قرارداد را مطرح می‌کند و ناظر بر تمدید مدت متفاوت از بند «الف» نیست. بنابراین ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان صرفاً ناظر بر تغییر مدت به معنای افزایش مدت و کاهش مدت مستند به مصادیق ده‌گانه بند «الف» است.

بند «ب» ماده ۴ شرایط عمومی پیمان، به صراحت مدت پیمان را تابع تغییرات ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان می‌داند؛ یعنی در شرایط عمومی پیمان، مدت قرارداد می‌تواند بیش یا کم از آن مقدار باشد که در ماده ۴ موافقت‌نامه و در ابتدای پیمان مشخص می‌شود. بند «ز» ماده ۱۴ شرایط عمومی پیمان نیز مدت پیمان را که در ماده ۴ موافقت‌نامه تعیین می‌شود، مدت اولیه نامیده است و آن را تابع شرایط و اوضاع و احوال کار می‌داند و امکان تغییراتی که ممکن است بر اساس ماده ۳۰ ایجاد شود، در نظر گرفته است.

با توجه به مباحث بیان‌شده، پرسش این است که ماهیت افزایش مدت مقرر در ماده ۳۰ چیست؟ آیا عامل زمان در قراردادهای پیمانکاری به استناد قواعد عمومی قراردادهای، قید تعهد محسوب می‌شود و یا صرفاً یکی از اوصاف مطلوب قرارداد و در راستای تأمین منافع کارفرمای دولتی است؛ به‌گونه‌ای که کارفرمای دولتی بتواند در هر زمان از این مطلوب صرف‌نظر کند و با پیمانکار قرارداد را تمدید یا تجدید کند؟ آیا موارد ذکر‌شده در ماده ۳۰ حصری‌اند و یا کارفرما می‌تواند به استناد بند ۱۰ ماده ۳۰ رأساً و حتی بدون توجه به نظر مهندس مشاور و حتی پیمانکار، پیمان را تمدید یا تجدید کند؟ در واقع آیا کارفرمای دولتی این اختیار را دارد که صرفاً با استناد به بند ۱۰، تأخیرات را مجاز بداند و قرارداد را تمدید کند؟ برای پاسخ به این سؤالات، آیا می‌توان با توجه به تشریفات مقرر برای تمدید مدت، از شکل به ماهیت رسید؟ افزایش مدت پیمان به موجب ماده ۳۰، منوط به رعایت چه تشریفات است؟ رعایت‌نکردن این تشریفات چه آثاری در بر دارد؟ در بحث تمدید شرایط عمومی پیمان پیش‌تر مقاله‌ای با عنوان «بررسی موضوع تمدید زمان در مفاد قراردادهای بین‌المللی و مقایسه آن با شرایط عمومی پیمان» در سال ۱۳۸۹ چاپ شده است که موضوع آن مقایسه تمدید زمان در شرایط عمومی پیمان با قراردادهای بین‌المللی مشابه است. در سایر مقالات چاپ‌شده با محوریت شرایط عمومی پیمان، کلیات این قرارداد و یا موضوع فسخ و داوری در آن بیان شده است. نوآوری این پژوهش به این علت است که در مورد ارتباط تمدید پیمان با شرایط عمومی قراردادهای و بررسی مفهوم تغییر مدت و تفاوت آن با مفهوم تمدید و تجدید

بحث می‌شود و همین‌طور به نقص بخشنامه در ضابطه‌مندکردن موارد تمدید پیمان اشاره می‌شود و پیشنهاد اصلاح آن به قانون‌گذار داده می‌شود.

در این پژوهش ابتدا برای تعیین ماهیت افزایش مدت مقرر در ماده ۳۰، قابلیت اعمال قواعد عمومی قراردادهای وحدت یا تعدد مطلوب بودن عامل زمان در قراردادهای پیمانکاری دولتی و تعهد به وسیله یا نتیجه بودن این قراردادها بررسی می‌شود. سپس ماهیت افزایش مدت در قالب سه مفهوم تغییر، تمدید و تجدید تحلیل می‌شود. در ادامه نحوه تمدید در شرایط عمومی پیمان مطابق ماده ۳۰ بخشنامه و آثار آن موضوع بحث قرار می‌گیرد تا کاستی‌های بخشنامه در ضابطه‌مندکردن تمدید پیمان آشکار شود.

۱. قابلیت اعمال قواعد عمومی قراردادهای در شرایط عمومی پیمان

در این بخش از پژوهش ابتدا این مسئله بررسی می‌شود که تا چه میزان می‌توان قواعد عمومی قراردادهای را با لحاظ محدودیت‌های خاص، به پیمان‌های دولتی نیز تسری داد؛ سپس با استناد به همین قواعد به تفاوت‌های ماهیتی تمدید، تغییر و تجدید قرارداد اشاره می‌شود.

۱-۱. وحدت یا تعدد مطلوب زمان در شرایط عمومی پیمان

اقتضای طبیعت اجرای موضوع پیمان به گونه‌ای است که نیازمند زمان است و این زمان باید در قرارداد مشخص باشد. اما پرسش این است که اگر اجرای تعهد در مدت زمان اولیه مقرر در قرارداد میسر نشد، آیا زمان انجام تعهد مقرر در پیمان وحدت مطلوب است یا تعدد مطلوب؟ به این معنی که اگر در قراردادهای پیمانکاری دولتی، عامل زمان، قید تعهد باشد، یعنی اجرای پروژه فقط در مدت خاصی مطلوب باشد، در این صورت بحث تمدید مدت پیمان دیگر موضوعیت ندارد و قرارداد تمام شده است، مگر اینکه دو طرف نسبت به تجدید و انعقاد قرارداد با شرایط جدید اقدام کنند. اما اگر اجرای پروژه در زمان مقرر یکی از مطلوب‌های ما باشد و مهم نفس اجرای پروژه فارغ از مدت زمان خاص آن باشد، بحث تمدید مدت پیمان موضوعی قابل طرح خواهد بود.

در قراردادهای پیمانکاری، ماهیت تعهد، تحقق نتیجه خاص یعنی تکمیل پروژه است، که عامل زمان گرچه یکی از مطلوب‌ها است، قید تعهد نیست. به عبارتی با پایان مدت و تکمیل نکردن پروژه، تعهد به نتیجه ساقط نشده است و همچنان برای کارفرما مطلوبیت دارد، مگر اینکه ماهیت تعهد را از نوع تعهد به وسیله قلمداد کنیم. در این حالت، پایان مدت قرارداد می‌تواند به معنای پایان تعهد باشد، مشروط بر آنکه پیمانکار اقدامات متعارف را انجام دهد و قصوری در بذل تلاش نداشته باشد. اما نکته این است که امروزه نمی‌توان کاملاً به این تفکیک کلاسیک نظام حقوق

نوشته پایبند بود؛ به طوری که تعهدات قراردادهای گوناگون از جمله قرارداد پیمانکاری به درجات مختلفی از تعهدات به وسیله و نتیجه تقسیم می شوند (اسعدی نژاد و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۴).

با این توضیحات، زمان اجرای تعهد در عقود حسب مورد می تواند کارکردها و آثار متفاوتی داشته باشد. واژه مطلوب به معنی غرض و مقصود به کار می رود، آن گاه که تمام اجزای یک معامله همگی از یک مقصود نشئت می گیرند (از جمله عامل زمان) و بدون هر کدام از این اجزا، معامله ای حاصل نمی شود، «وحدت مطلوب» است. آن زمان که هر جزئی از قرارداد به تنهایی مقصود طرفین است «تعدد مطلوب» وجود دارد (اسلامی پناه و علائی، ۱۴۰۱: ۸۱). برای مثال، کسی برای شام عروسی سفارش غذا داده باشد، در این مورد تعهد از موارد وحدت مطلوب است و با انقضای موعد، ساقط می شود؛ یعنی اگر متعهد در موعد مقرر تعهد خود را انجام ندهد، دیگر فایده ای برای متعهد ندارد (نعیمی، ۱۴۰۱: ۱۴۷-۱۴۶). اما در حالتی که اقتضای طبیعت عقد و چگونگی اجرای آن ایجاب می کند که برای انجام آن موعد مقرر شود، بدین معناست که متعهد به ترجیح می دهد که تعهد در موعد مقرر انجام شود. حال آنکه، اگر تعهد در موعد مقرر انجام نشد، ایفای تعهد مطلوبیت کامل خود را برای او از دست نمی دهد و اجرای تعهد پس از موعد نیز برای او مطلوب و مفید است. در این صورت انقضای مدت موجب سقوط تعهد نخواهد شد و متعهد علاوه بر انجام تعهد، در صورت تقاضای متعهد، مکلف به جبران خسارت ناشی از تأخیر خواهد بود^۱ (صفایی، ۱۳۹۹: ۲۲۳-۲۲۲).

در موارد عادی، اجرای شرطی که ناظر به موعد انجام تعهد است، چهره فرعی دارد و مطلوب جداگانه است که اگر از دست برود، خسارت خاص خود را دارد. بر همین اساس خسارت تأخیر در اجرای تعهد را از خسارت عدم انجام تعهد جدا کرده اند.^۲ در موارد عادی خسارت تأخیر در انجام تعهد با انجام تعهد قابل جمع است. بنابراین اصل بر این است که موعد و زمان انجام تعهد

۱. در مقابل این نوع از تعهدات، تعهدات بدلی و تخییری وجود دارند که در آن انتخاب انواع موضوع تعهد در اختیار متعهد گذاشته شده است (قسمتی تبریزی، ۱۴۰۴: ۹۵).

۲. علی الاصول امکان الزام به اجرای تعهد صرفاً با مطالبه خسارت تأخیر در اجرای تعهد قابل جمع است و مطالبه خسارت عدم انجام تعهد صرفاً با فسخ قرارداد جمع می شود (شهابی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۹). پیش بینی ماده ۴۷ شرایط عمومی پیمان مبنی بر الزام کارفرمای دولتی به ضبط تضامین پیمانکار بعد از اعلام فسخ ماده ۴۶ در همین راستا قرار می گیرد و به منزله خسارت ناشی از عدم انجام تعهد از سوی پیمانکار است. با وجود این، به دلیل ماهیت اداری قراردادهای پیمانکاری در هنگام پایان کار و حتی در صورت فسخ و خاتمه پیمان هم امکان مطالبه خسارت تأخیر از پیمانکار به موجب ماده ۵۰ شرایط عمومی پیمان وجود دارد. به موجب ماده ۵۰ شرایط عمومی پیمان: «... ب. در پایان کار، در صورتی که مدت انجام کار، بیش از مدت اولیه پیمان به علاوه مدت های تمدید شده پیمان باشد، مهندس مشاور با رعایت ماده ۳۰ و رسیدگی به دلایل پیمانکار، مدت تأخیر غیر مجاز را تعیین می کند تا پس از تصویب کارفرما، به شرح زیر، ملاک محاسبه خسارت تأخیر قرار گیرد...».

قید تعهد نیست و مطلوبیت جداگانه دارد. جایگاه موعد انجام تعهد را می توان از وجه التزام مقرر برای تأخیر در اجرای تعهد نیز استنباط کرد. اگر وجه التزام برای عدم انجام تعهد باشد، نشانه آن است که اجرای تعهد بعد از موعد دیگر مطلوبیتی ندارد، اما اگر وجه التزام برای تأخیر در اجرای تعهد باشد حاکی از تعدد مطلوب موعد و انجام تعهد است. حتی بدون وجود وجه التزام نیز باید اصل را بر بقای تعهد دانست، در واقع در صورت گذشتن موعد، تعهد از بین نمی رود (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۶۴-۱۶۲). اگر قرارداد به صورت وحدت مطلوب و مقید به زمان خاصی نباشد، متعهدله می تواند متعهد را وادار به اجرای عین تعهد کند و در کنار آن الزام به جبران خسارت ناشی از تأخیر را نیز داشته باشد (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱: ۲۵۳). تعدد مطلوب در جایی مطرح است که وجود هریک از اشیای ذکر شده مطلوبیت دارد و اگر برخی از آن ها وجود نداشته باشد، موجب نفی مطلوبیت از موارد موجود نمی شود. در فقه نیز معاملات از باب تعدد مطلوب است، مگر آنکه آن قید زمان ذاتی باشد، اما در عبادات اصل بر وحدت مطلوب است (آخوند خراسانی، ۱۳۸۶: ۱۵۵). در مقابل، برخی بر این باورند در قراردادهای پیمانکاری از آنجایی که کارفرما می خواهد پروژه در تاریخ مقرر و با هزینه ای خاص به بهره برداری برسد و پیمانکار نیز می خواهد پروژه در همان مدت تمام شود تا هم به سود خود برسد و هم پروژه جدیدی را آغاز کند، بین زمان و عمل مورد تعهد وحدت مطلوب برقرار است (اوجاقلو، ۱۴۰۳: ۴۱۵).

در پاسخ باید گفت که در شرایط عمومی پیمان وفق ماده ۴ موافقت نامه و همین طور بند «ز» ماده ۱۴ و ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان، مدت پیمان می تواند غیر از آن مدتی باشد که در ابتدای پیمان مشخص شده است. مطلوب در این قراردادها اجرای تعهدات و انجام پروژه است و مدت زمان تعیین شده یکی از مطلوب ها است. تأخیر یا افزایش مدت موجب برای انحلال قرارداد پیمانکاری نیست و همواره امکان اجرای قرارداد وجود دارد؛ موضوعی که در دادنامه شماره ۱۳۳۰/۱۳۴۳۹۰۰۰۴۵۰۱۲۳۰ شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی بخش سنگر، در دعوا با خواسته ابطال فسخ قرارداد پیمانکاری شرکت سایبان گستر گیل علیه دانشگاه گیلان در رد ادعای خواهان مورد استناد قرار گرفت. دادگاه با استناد به اینکه بین مدت و موضوع تعهد قرارداد پیمانکاری تعدد مطلوب وجود دارد، اعلام کرد که انقضای مدت تعهد موجب سقوط آن نخواهد شد (دادنامه شماره ۱۳۳۰/۱۳۴۳۹۰۰۰۴۵۰۱۲۳۰، ۱۴۰۱/۰۸/۱۱). این نظر در پرونده کلاسه ۱۴۵/۷۶ موضوع دعوی شرکت «گ» علیه وزارت راه و ترابری هم تأیید شده است. از نظر دادگاه مدت اجرای قرارداد در پیمان های عمومی منحصرأً مبین مهلت انجام تعهدات طرفین است. از این رو، انقضای مدت قرارداد برخلاف ادعای خواهان، تعهدات موضوع پیمان را از عهده وی ساقط می کند (قهرمانی و شمسا، ۱۳۹۳: ۱۶۶). بنابراین اجرای موضوع تعهد در قراردادهای پیمانکاری در زمان مقرر

در ماده ۴ بخشنامه برای اجرای پروژه قید تعهد نیست و به صورت تعدد مطلوب است و امکان افزایش مدت قرارداد پس از اتمام زمان اولیه نیز در این گونه قراردادها وجود دارد.

۱-۲. تمدید یا تجدید قرارداد

تجدید از نظر حقوقی به معنای انجام دوباره یک عمل است، اما تمدید به معنای استمرار بخشیدن به وضعیتی ثابت در مدتی غیر از زمان مقرر است (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸: ۶۳۰ و ۷۳۸). تمدید و یا تجدید قرارداد تعهدی است که برای جلوگیری از مشکلاتی که ممکن است بعد از انقضای مدت قرارداد های مستمر ظهور کنند، پیش بینی شده اند (دارویی، ۱۳۹۹: ۲۶۴). تعهدی که حسب مورد ضمن عقد و یا قانون پیش بینی شده است. به موجب این تعهد مقرر می شود که بعد از انقضای مدت، قرارداد برای یک دوره زمانی مشخص دیگر نیز ادامه داشته باشد. این تعهد به شکل های مختلفی امکان بروز دارد، لذا در خصوص ماهیت و اعتبار آن اختلاف نظر وجود دارد. این نظر وجود دارد که تعهد به تمدید قرارداد، توافقی است ضمن عقد اصلی که پس از انقضای مدت قرارداد، طرفین در مقابل یکدیگر متعهد می شوند، عقد جدیدی با همان شرایط یا شرایط جدید برای دوره ای دیگر منعقد کنند (همان: ۲۶۵). این تعریف تمدید را محدود به شروط ضمن عقد از نوع شرط فعل می کند و ماهیت آن تعهد به تجدید قرارداد است. تعهد به تجدید قرارداد از این نظر ماهیتاً نوعی وعده قرارداد است که ضمن عقد دیگری شرط می شود. وعده قرارداد هم ماهیتاً عقد است که اعتبار آن منوط به رعایت شرایط عمومی صحت معاملات است. در نتیجه مورد معامله از جمله شرایط و عوض نیز باید در زمان انشای عقد، معین و معلوم باشد، مگر در مواردی که علم اجمالی به آن کفایت می کند (همان: ۲۶۸-۲۶۷).

در مقابل برخی باور دارند که تمدید قرارداد عبارت است از عملی که در زمان حیات قرارداد صورت گرفته است، بدون اینکه ذات اولیه قرارداد را تغییر دهد و صرفاً مدت قرارداد را اضافه می کند. مانند اینکه قرارداد یک ساله اجاره منزل مسکونی با توافق موجر و مستأجر در میانه قرارداد به مدت سه ماه اضافه شود، اما تجدید قرارداد عبارت است از اینکه یک قرارداد خاتمه پیدا کند و بعد از پایان مدت آن، قرارداد دیگری با برخی تغییرات و اصلاحات منعقد شود.^۱

در این زمینه، استناد به مواد قانون مدنی فرانسه می تواند راهگشا باشد. برخلاف قانون مدنی ایران، در قانون مدنی فرانسه در مواد ۱۲۱۲ الی ۱۲۱۵ به مدت قرارداد و انواع حالات افزایش آن اشاره شده است. به موجب ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی فرانسه: «هنگامی که قرارداد برای مدت معینی منعقد شود، هریک از طرفین باید آن را تا پایان مدت اجرا نماید. هیچ کس نمی تواند طرف

1. <https://www.top.legal/en/knowledge/contract-renewal-vs-contract-extension>

مقابل را الزام به تمدید قرارداد کند. با وجود این، به موجب ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی فرانسه، اگر طرفین قرارداد اراده خود مبنی بر تمدید قرارداد را قبل از انقضای مدت آن اعلام نمایند، تمدید امکان پذیر است. قانون گذار فرانسوی سه عبارت متفاوت را برای قراردادهای با مدت معین به کار برده است؛ اول تمدید قرارداد (Prorogation)؛ دوم، تجدید قرارداد (Renouvellement) و سوم، تجدید ضمنی قرارداد (Tacite Reconduction). در برخی ترجمه‌ها، هر سه واژه به غلط به معنای تمدید قرارداد در نظر گرفته شده است، در حالی که این سه متفاوت از هم هستند (پاکباز، ۱۴۰۱: ۲۸۹-۲۹۱).

تمدید قرارداد امکان اصلاح مدتی را که ابتدائاً طرفین بر سر آن به توافق رسیده بودند، تا تاریخ بعدی فراهم می‌کند که می‌تواند به موجب شرط تمدید در همان قرارداد اولیه گنجانده شود که به صورت خودکار یا نیمه خودکار قرارداد را تمدید می‌کند و یا با توافق جدید طرفین، قرارداد ادامه می‌یابد. این دیدگاه وجود دارد که تمدید حتماً باید قبل از پایان قرارداد صورت پذیرد. به استناد ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی فرانسه، تمدید قراردادی که مدت آن پایان یافته است، معنا ندارد. با وجود این، در قراردادهای فیدیک^۱ (فدراسیون بین‌المللی مهندسان مشاور)^۲ برخلاف سکوت حاکم بر شرایط عمومی پیمان، تصریح شده است که به منظور تمدید قرارداد، لازم است واقعه‌ای که به تأخیر در اجرای تعهد قراردادی منجر شده است، در طول مدت اجرای قرارداد حادث شده باشد. البته این موضوع به طور ضمنی از بندهای ده‌گانه ماده ۳۰ (الف) شرایط عمومی پیمان نیز قابل احراز است. حتی در برخی شرایط در قراردادهای فیدیک منوط به عدم تقصیر پیمانکار، امکان تمدید قرارداد به دلیل واقعه بعد از مدت قرارداد نیز امکان پذیر است.^۳

تجدید به معنای ادامه دادن قرارداد با شبیه‌سازی مفاد آن است. در تجدید برخلاف تمدید، قرارداد جدیدی متمایز از قرارداد اول شکل می‌گیرد که آغاز آن با پایان قرارداد اول مصادف می‌شود. به موجب ماده ۱۲۱۴ قانون مدنی فرانسه، قرارداد با مدت معین، ممکن است به موجب حکم قانون یا توافق طرفین تجدید شود. تجدید، قرارداد جدیدی ایجاد می‌کند که مفاد آن با قرارداد قبلی یکسان اما مدت آن نامعین است، مگر اینکه مدت به موجب قانون و یا قرارداد مشخص شده باشد (Terre et al., 2019: 739-741). حال به موجب ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی فرانسه، در صورتی که با انقضای موعد قرارداد با مدت معین، طرفین قرارداد همچنان به اجرای تعهدات خود ادامه دهند، این امر دلالت بر تجدید ضمنی قرارداد دارد که دارای همان آثار تجدید قرارداد است. در

1. Fédération Internationale des Ingénieurs-Conseils

۲. انجمن فیدیک به عنوان تدوین‌کننده نمونه قرارداد برای امور مهندسی ساختمانی و تأسیسات مکانیکی و برقی شناخته شده است (قربانی و شوکتی، ۱۳۹۸: ۶۹).

3. <https://fidic.org/content/extension-time>

حقوق ایران بدون ارائه تعریف و معیار تمیز این موارد، این باور وجود دارد که نمونه‌ای از تجدید ضمنی قرارداد را می‌توان در فراز پایانی ماده ۵۰۱ قانون مدنی در تجدید ضمنی قرارداد اجاره مشاهده کرد (پاکباز، ۱۴۰۱: ۲۹۱) که البته برخی خلاف آن را معتقدند (شهیدی، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

در زمینهٔ مبحث تجدید قرارداد، برخی تجدیدنظر در عقد (De la revision des contract) را ناظر بر زمانی می‌دانند که دادگاه و یا متعاقدين، مشخصات و آثار عقد را با ابقای عقد، تغییر دهند. مصداق آن را زمانی می‌دانند که پس از انعقاد عقد، موازنهٔ اقتصادی بین ارزش عوضین در هنگام اجرای تعهد ناشی از عقد بر هم خورده باشد. برای مثال دربارهٔ قراردادهای اداری، اگر اعمال قدرت عمومی موجب تغییر اوضاع و احوال موجود در زمان انعقاد عقد شود و اجرای تعهد ناشی از عقد پرخرج و یا غیر ممکن شود، طرف مقابل حق دارد از دادگاه، تجدیدنظر در عقد را بخواهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۶۲۹).

در ارتباط با ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان به نظر می‌رسد که نمی‌توان آن را مصداق تجدید پیمان دانست، زیرا حسب تعریف، تجدید به معنای انعقاد قرارداد جدید است. با توجه به ماهیت قراردادهای پیمان این امکان برای طرفین به صرف توافق وجود ندارد، بلکه مستلزم رعایت تشریفات مناقصه است. همچنین قرارداد جدید تابع قوانین جدیدی است که در فاصلهٔ اتمام قرارداد پیشین و قرارداد جدید به تصویب رسیده است (Terre et al., 2019: 739-741). ضمناً ماهیت تصمیم کارفرمای دولتی در ابلاغ تمدید پیمان را نمی‌توان به توافق و قرارداد جدید بین طرفین تعبیر کرد. هرچند به استناد ماده ۳۰ این دیدگاه وجود دارد که تمدید در این قراردادها نوعی ایقاع است که به قصد انشای یک جانبهٔ کارفرما صورت می‌گیرد، با اثبات مجاز بودن تأخیرات، کارفرما متعهد به تمدید است و این تعهد از نوع تعهد به نتیجه است. اگر خود کارفرما حاضر به تمدید نباشد، مرجع حل اختلاف با شکایت پیمانکار وی را مکلف به تمدید خواهد کرد (اسعدی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۲). در این حالت دیگر نمی‌توان شاهد قصد انشای کارفرما بود. همچنین در فرض معکوس، یعنی زمانی که پیمانکار برخلاف ارادهٔ کارفرما به تمدید راضی نباشد، نیز با توجه به اعلام مخالفت صریح پیمانکار و درخواست وی برای خاتمهٔ قرارداد با استناد به این اصل که ایقاع نمی‌تواند در روابط حقوقی مؤثر باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۹)، ماهیت ابلاغ کارفرما برای تمدید می‌تواند مصداق اباحه باشد (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۴۸).

بنابراین ماده ۳۰ به تمدید قرارداد به حکم قانون نزدیک‌تر از تجدید قرارداد است. اما در دوراهی بین تمدید و تجدیدنظر در عقد باید اذعان کرد که تمدید مقرر در ماده ۳۰ صرفاً مدت قرارداد را افزایش یا کاهش نمی‌دهد، بلکه پیمانکار را در محدودهٔ تأخیرات مجاز مستحق تعدیل مثبت پیمان هم می‌کند و در عین حال از خسارات تأخیر مقرر در ماده ۵۰ نیز مبرا می‌کند. گرچه به

موجب قراردادهای فیدیک، تمدید قرارداد به خودی خود به ایجاد حق پیمانکار در برخورداری از تعدیل مثبت و یا خسارت تأخیر منجر نمی‌شود، مگر اینکه پیمانکار اثبات کند که به دلیل این تأخیر وی متحمل هزینه‌های اضافی شده است.^۱ بنابراین این تمدید واجد آثار مالی در نرخ پیمان است که از این زاویه به تجدیدنظر در عقد نزدیک می‌شود (رحیمی و علیزاده، ۱۳۹۶: ۱۵۶). با وجود این، این تجدیدنظر طبق شرایط عمومی پیمان نه با رضایت طرفین به مثابه یک عقد، بلکه به حکم قانون و یا مرجع حل اختلاف صورت می‌گیرد.

در این‌گونه موارد، هر چند به اعتبار قاعده «العقود تابعه للقصود»، قصد طرفین ملاک تشخیص است (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۶۷؛ بیگدلی، ۱۳۸۸: ۳۳۵) و می‌توان به استناد قاعده و با استفاده از اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد و سایر امارات و قرائن پی به اراده باطنی متعاملین برد و به استناد همان اراده باطنی طرفین ماهیت عمل حقوقی را تعیین کرد (شعاریان ستاری، ۱۳۷۹: ۱۰۰)، در قراردادهای تابع شرایط عمومی پیمان نمی‌توان از همان قواعد عمومی قراردادها در تمام امور تبعیت کرد. برخی قراردادهایی که سازمان‌های دولتی منعقد می‌کنند، مانند قرارداد پیمانکاری از حیث نظام حقوقی حاکم بر آن‌ها، تابع حقوق عمومی‌اند که از احکام و قواعد ویژه این رشته شامل قواعد اقتداری، ترجیحی و حمایتی و الحاقی تبعیت می‌کنند و اصطلاحاً «قرارداد اداری» نامیده می‌شوند (رستمی و مجیبی‌فر، ۱۳۹۴: ۶۰). تعهدات قراردادی دولت در قراردادهای اداری به قدری انعطاف‌پذیرند که اراده دولت می‌تواند آن‌ها را تغییر دهد، زیرا کارفرمای دولتی مظهر و نماینده قدرت عمومی است و قرارداد نمی‌تواند دست‌وپای کارفرما در انجام امور عمومی را ببندد (مولائی، ۱۴۰۰: ۲۹۰). علت این امر آن است که کارفرمای دولتی به منزله حافظ منافع عمومی باید قرارداد مذکور را مدیریت و نظارت کند و آن را با توجه به تحولات جامعه و مقتضیات اداری بررسی کند و تطبیق دهد تا منافع بیت‌المال متضرر نشود (رستمی و مجیبی‌فر، ۱۳۹۴: ۶۳-۶۰؛ اسماعیلی هریسی، ۱۳۹۶: ۲۵).

از طرف دیگر نیاز به افزایش مدت در قراردادهای پیمانکاری می‌تواند به دلیل انواع تأخیرات بروز کند. دسته‌بندی این تأخیرات در الزام‌آور بودن شرط تمدید نقش مهمی دارد. هنگامی که دلیل تأخیر به تخلفات کارفرما یا اوضاع و احوال خارجی مربوط می‌شود، دیگر نمی‌توان با استدلال اینکه زمان صرفاً به نفع کارفرما است، تمدید را اختیاری برای کارفرما در نظر گرفت که با قصد انشای وی محقق می‌شود، بلکه در صورت اثبات تخلف کارفرما، تأخیرات پیمانکار مجاز قلمداد می‌شود و وی مستحق تمدید است (El-adaway et al., 2020: 3).

در ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان قواعد خاص مربوط به تمدید مدت در تأخیرات مجاز

1. <https://fidic.org/content/extension-time>

مشخص شده است که با توجه به آمرانه بودن شرایط عمومی پیمان نمی توان برخلاف آن توافق کرد (رجبی و اونق، ۱۳۹۹: ۹۰). ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه کشور (مصوب ۱۳۵۱)، سازمان برنامه و بودجه را موظف می کند که نمونه قراردادها و شرایط عمومی پیمان را برای معاملات دولتی تهیه و ابلاغ کند (برزویی و پرچمی، ۱۴۰۳: ۱۰۸). بنابراین، تمام دستگاه های اجرایی به رعایت این شرایط موظف اند و تغییر آن ها بدون مجوز این سازمان، غیرقانونی است. همچنین به استناد بخشنامه شماره ۵۶/۱۷۳۰۷۴ مورخ ۱۳۸۲/۰۹/۱۵ سازمان برنامه و بودجه، هرگونه تغییر در شرایط عمومی پیمان بدون تأیید سازمان برنامه و بودجه حتی به استناد ماده ۴ ناظر بر شرایط خصوصی ممنوع اعلام شده است (نظریه مشورتی شماره ۶۵۶/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۱۱).

در واقع تغییر مدت قرارداد سازوکاری است که از آن برای حفظ تعادل قراردادی در طولانی مدت استفاده می شود. نگاهی به مصادیق ده گانه مقرر در بند «الف» حاکی از آن است که قانون گذار، اجازه تغییر مدت را داده است، با نگاهی دوباره به عواملی از قرارداد که در مدت زمان طولانی و به واسطه دلایل مختلف در خلال اجرای قرارداد بر هم خورده است (اسعدی نژاد و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۳). بنابراین تغییر مدت پیمان صرفاً با استناد به بندهای ده گانه ماده ۳۰ شرایط عمومی صورت می گیرد. با توجه به مصادیق مذکور در این ماده، تعهد به تمدید در این شرایط یک تعهد منبعث از قانون است که در صورت احراز، کارفرمای دولتی را متعهد می کند. این یک تمدید به موجب قانون حاکم در زمان انعقاد قرارداد است و حتی اگر از نظر شکلی بعد از پایان مدت اولیه قرارداد هم صورت گیرد نمی توان آن را به معنای تجدید قرارداد دانست.

۱-۳. تمدید یا تغییر مدت قرارداد

یکی از مسائلی که در خصوص ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان وجود دارد، این سؤال است که آیا تفاوتی میان تغییر مدت پیمان و تمدید آن وجود دارد؟ با استناد به اینکه تمدید مدت از نظر معنایی صرفاً به مفهوم افزایش مدت قرارداد است، در حالی که در بند «ب» ماده ۳۰ کاهش مدت قرارداد نیز پیش بینی شده است، این تفسیر وجود دارد که عنوان ماده به درستی انتخاب شده است و بندهای «الف» و «ب» این ماده دلالت بر تغییر مدت قرارداد دارد. به این ترتیب بند «ج» ماده ۳۰ صرفاً ناظر بر تمدید مدت قرارداد است که با توافق طرفین امکان پذیر است؟

با توجه به آنکه در عنوان انتخابی ماده ۳۰، قانون گذار عبارت «تغییر مدت» را به کار برده است، بنا به یک تفسیر، با توجه به امکان افزایش حجم کار تا ۲۵ درصد میزان اولیه پیمان، زمان متناظر با این افزایش نیز بنا به ملاحظات ماهیت کار افزایش می یابد و در این حالت تمدید پیمان ضروری نیست، بلکه بحث تغییر مدت پیمان مطرح است (اوجاقلو، ۱۴۰۳: ۴۱۷). برخلاف فیدیک، تعریفی

از مفهوم «تغییر» در شرایط عمومی پیمان نشده است. در فیدیک تغییر عبارت است از دستوری که پیمانکار را محق دریافت پول زیادتر یا گرفتن مهلت بیشتر می‌کند. بدین واسطه برخی ماده ۳۰ را حاوی احکام مرتبط با تغییر در قلمرو زمان، در ادامه ماده ۲۹ و به منزله مصداقی از مفهوم کلی تغییرات دانسته‌اند (هداوند و جم، ۱۴۰۳: ۱۵، ۶۰ و ۶۱).

این نظر در پی استعلام شرکت پارس سازان فرابین در اواخر سال ۱۳۹۳ از سازمان برنامه و بودجه در قالب این سؤال مطرح شد که آیا خارج از موارد احصاء شده تأخیرات مجاز در ماده ۳۰، امکان تمدید مدت پیمان صرفاً با اراده طرفین وجود دارد یا خیر؟ آنچه برای این شرکت موردشبهه بود این مطلب بود که آیا موارد ده‌گانه بند «الف» ماده ۳۰ که امکان درخواست تمدید از جانب پیمانکار را می‌دهد، به معنی تغییر مدت زمان اجرای پروژه است؟ به عبارت دیگر اجرای یک پروژه مثلاً به جای آنکه ظرف یک سال به اتمام برسد بر اساس اتفاقاتی که در بند «الف» ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان پیش‌بینی شده، عملاً تغییر کرده و مدت بیشتری برای اتمام پروژه نیاز است و اساساً این به معنی تغییر مدت پیمان است و نه تمدید. بنابراین برای بحث تغییر مدت، موضوع تمدید مدت پیمان نیز وجود دارد که قبل از اتمام مدت اولیه پیمان با تراضی طرفین و بدون لزوم وجود اتفاقات موارد ده‌گانه بند «الف» ماده ۳۰ و صرفاً با اراده دو طرف شدنی است. سازمان برنامه و بودجه در نامه شماره ۱۶۵۳۵۵ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۷ در پاسخ به سؤال شرکت مذکور به صراحت اظهار داشت: «بدون رسیدگی به تأخیرات و تعیین مدت مجاز کار، تمدید مدت پیمان امکان‌پذیر نمی‌باشد». پاسخ سازمان برنامه و بودجه بدون هیچ استدلالی صرفاً بیانگر ممنوعیت تمدید مدت با توافق طرفین است.

برخی بر این باورند که امکان تمدید پیمان بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی (اصل آزادی قراردادها) حتی در صورت وجود تأخیرات غیرمجاز از سوی پیمانکار نیز معتبر و لازم‌الاجرا است و کارفرما با تمدید خود می‌تواند از تأخیرات غیرمجاز پیمانکار صرف‌نظر کند (اوجاقلو، ۱۴۰۳: ۴۲۰). اما گفتنی است در بند «الف» و همچنین در قسمت اخیر بند «ج» ماده ۳۰ صراحتاً بیان شده است که کارفرما بر اساس موارد ذکر شده در بند «الف» می‌تواند مدت پیمان را تمدید کند و تمدید مدت پیمان فقط بر اساس موارد ده‌گانه ماده ۳۰ شدنی است. در نتیجه، قانون‌گذار تفاوتی بین تمدید مدت پیمان و تغییر مدت نگذاشته است و به روشنی از لفظ «تمدید» استفاده کرده است. فلسفه وضع مقرر نیز با توجه به حمایت از بودجه عمومی همین امر را یادآور می‌شود (طباطبایی مومتمنی، ۱۳۸۴: ۱۰۰). باید به این نکته توجه کرد که قراردادهای خصوصی در پی تقسیم منافع حاصل از قرارداد میان اطراف قرارداد است، در حالی که در قراردادهای اداری از جمله پیمانکاری دولتی اضافه بر دولت و بخش خصوصی به عنوان طرفین قرارداد، شخص سوم نیز به نام «مردم»

وجود دارد. هدف این نوع از قراردادها، تأمین منافع عمومی است و قوانین حقوق خصوصی عیناً پاسخ‌گوی این نیاز نیست (ویژه و تنگستانی، ۱۳۹۳: ۱۰۷). بنابراین در اختیار قراردادن تمدید مدت پیمان تا هر وقت که طرفین بخواهند و بدون هیچ ضابطه مشخصی، خلاف مصالح عمومی و موجب سوءاستفاده از قراردادهای پیمانکاری دولتی می‌شود، زیرا با هر بار تمدید پیمانکار مستحق تعدیل مثبت مبلغ قرارداد نیز می‌شود (رحیمی و علیزاده، ۱۳۹۶: ۱۵۶). در نتیجه قانون‌گذار در ماده ۳۰ صرفاً تغییر مدت را با استناد به بندهای ده‌گانه پیش‌بینی کرده که اعم از افزایش و کاهش مدت است و عملاً ضابطه یکسانی در ماده ۳۰ برای تغییر مدت و یا تمدید قرارداد وجود دارد. در واقع بندهای «الف» و «ج» ماده ۳۰ ناظر بر تجدیدنظر در مدت قرارداد به میزان تأخیرات مجاز است که با ابقای عقد اولیه با درخواست پیمانکار و رضایت و ابلاغ کارفرما و یا در صورت اختلاف به حکم مرجع حل اختلاف صورت می‌پذیرد.

۲. شکل و آثار درخواست تمدید مطابق ماده ۳۰

هرچند ترجیح کارفرمایان تعیین تاریخ معینی برای تکمیل پروژه‌ها است، اما به واسطه واقعیت‌های صنعت ساخت، حوادث پیش‌بینی نشده و یا تأمین نکردن منابع مالی، در عمل پایبندی پیمانکاران به اتمام پروژه در تاریخ تعیین شده غیرممکن است. به همین دلیل قراردادهای پیمانکاری نسبت به تاریخ قیدشده در آن منعطف شده و امکان افزایش زمان قرارداد برای تکمیل پروژه‌ها فراهم شده است (محمدکریمی و حسینی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۸).

ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان در بندهای «الف» و «ج» شرایط شکلی درخواست تمدید را مشخص کرده است. با وجود این، در بخشنامه ناظر بر پیمان‌های سرجمع شرایط متفاوتی برای این دسته از قراردادها برای درخواست تمدید تعیین شده است. بنابراین، در این قسمت ابتدا به بررسی شرایط شکلی درخواست تمدید در حالت‌های مختلف و سپس آثار پیش‌بینی نشده درخواست یا عدم درخواست تمدید و تفاوت در نحوه تمدید بررسی می‌شود تا ماهیت تمدید مقرر در ماده ۳۰ مشخص شود.

۲-۱. شرایط شکلی تمدید مطابق ماده ۳۰

تمدید مدت پیمان هنگامی موضوعیت دارد که پیمانکار به دلیل بروز موانعی که مربوط به تقصیر و کوتاهی او نباشد، بتواند در زمان مقرر پروژه را تکمیل کند. در بند «ج» ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان صراحتاً مشخص شده است، که کارفرما می‌تواند به میزان تأخیرات مجاز پیمانکار، قرارداد را تمدید کند. ماده ۳۰ در خصوص تمدید مدت پیمان مقرر کرده است در صورت وقوع هریک

از موارد ذکر شده که موجب افزایش مدت اجرای کار می شود، پیمانکار می تواند درخواست تمدید مدت پیمان را کند. پیمانکار درخواست تمدید را با ارائه محاسبات و دلایل توجیهی به مهندس مشاور تسلیم می کند و مهندس مشاور پس از بررسی و تأیید، مراتب را برای اتخاذ تصمیم به کارفرما گزارش می دهد و سپس نتیجه تصویب کارفرما را به پیمانکار ابلاغ می کند. به عبارت دیگر بند «ج» ماده ۳۰ به گونه ای تدوین شده است که مدت زمان مقرر در قرارداد را صرفاً به نفع کارفرما می داند و این کارفرما است که درباره تمدید مدت قرارداد و یا خاتمه آن تصمیم می گیرد.

برخی بر این باورند که مدت تعیین شده در قرارداد صرفاً به نفع کارفرما نیست و به نفع هر دو طرف است. بدین ترتیب توافق در خصوص تمدید نیز باید صرفاً به صورت توافقی باشد و کارفرما نمی تواند نظر خویش را به پیمانکار تحمیل کند (اوجاقلو، ۱۴۰۳: ۴۱۳، ۴۲۰ و ۴۲۱). با این حال، با عنایت به صراحت بند «الف» ماده ۳۰، تمدید قرارداد منوط به درخواست تمدید مدت از جانب پیمانکار است که درخواست خود را ابتدا به مهندس مشاور تحویل می دهد. اما توجه به بند «ج» این نکته را روشن می کند که مهندس مشاور هم می تواند صرفاً با کسب نظر پیمانکار، موارد احصاء شده ده گانه تمدید پیمان را بررسی کند و میزان تأخیرات مجاز و غیرمجاز پیمانکار را محاسبه کند و به اطلاع کارفرما برساند و در اینجا کارفرما رأساً تمدید پیمان را انجام می دهد. البته امکان اعتراض پیمانکار به نظر مهندس مشاور یا کارفرما در اجرای مفاد این ماده بر اساس ماده ۵۳ (حل اختلاف) مندرج در بند «ه» ماده ۳۰ وجود دارد.

در فیدیک امکان جلب رضایت پیمانکار در خصوص تأثیرات زمانی تغییر پیش بینی شده است. در صورت سازش نکردن، مهندس مشاور تصمیم گیری می کند. البته تصمیمات مهندس مشاور با در نظر گرفتن تمامی جوانب و مطابق با مفاد پیمان خواهد بود. در صورت رضایت نداشتن پیمانکار به این تصمیم، موضوع به هیئت پرهیز از اختلاف ارجاع خواهد شد (هداوند و جم، ۱۴۰۳: ۱۵ و ۱۶، ۶۲).

برخی بند «ه» ماده ۳۰ را بی ارتباط با بحث تمدید پیمان دانسته اند. به این علت که تمدید را صرفاً با توافق طرفین پیمان ممکن می دانند و ملاک قرارداد دادن تشخیص کارفرما وفق بند «ه» را خلاف اصل تساوی و برابری جایگاه طرفین دانسته اند. تعارض ظاهری بین بند «ج» و «ه» ماده ۳۰ را این گونه رفع می کنند که بند «ه» صرفاً در خصوص محاسبه میزان تأخیرات مجاز و غیرمجاز است و ارتباطی با بحث تمدید پیمان ندارد (اوجاقلو، ۱۴۰۳: ۴۲۱). در رد این نظر باید گفت که در قراردادهای پیمان با توجه به الحاقی بودن این قراردادها و ماهیت اقتداری و ترجیحی آنها نمی توان قواعد عمومی قراردادها مانند اصل تساوی و برابری طرفین را در آنها اعمال کرد.

آنچه از قسمت اخیر بند «ج» مستفاد می‌شود این نکته است که کارفرما مکلف است محدود به تأخیرات مجاز، مدت پیمان را تمدید کند، نه اینکه مطلقاً بتواند مدت پیمان را تمدید کند. تشخیص مجازبودن تأخیرات هم در صلاحیت تخصصی و با توصیه مهندس مشاور است. فقط آزادی عمل کارفرما در نحوه محاسبه میزان تأخیرات مجاز و غیرمجاز است که ممکن است با نظر مهندس مشاور متفاوت باشد که آن هم به موجب ماده ۵۳ صرفاً از جانب پیمانکار امکان به چالش کشیدن آن وجود دارد. بنابراین با توجه به اینکه افزایش مدت قرارداد طبق تشریفات مقرر در ماده ۳۰ بنا به درخواست پیمانکار و تأیید مشاور و تصمیم نهایی کارفرما محدود به مصادیق دهگانه شده است، این تکلیفی قانونی برای تمدید مدت قرارداد است که برای کارفرمای دولتی در تأخیرات مجاز ایجاد شده است. کارفرمای دولتی بعد از تصمیم به تمدید، آن را به پیمانکار ابلاغ می‌کند، در نتیجه نمی‌توان این افزایش مدت را از موارد تجدید قرارداد دانست.

۲-۲. آثار پیش‌بینی نشده درخواست یا عدم درخواست تمدید

شایسته بود قانون‌گذار ضابطه مشخصی را در تقیید و الزام کارفرما به پذیرش تأخیرات مجاز و غیرمجاز تعیین می‌کرد و تا این حد وسعت اختیار و آزادی عمل به کارفرما نمی‌داد. چون هنگامی که طرفین پیمان خواستار ادامه و طولانی شدن بیهوده یک پروژه هستند، کارفرما با پذیرش مدت زمان بیشتری به مثابه تأخیرات مجاز برخلاف نظر مهندس مشاور، قرارداد را تمدید می‌کند و این امر به موجب بخشنامه قابل اعتراض از جانب مهندس مشاور نیست، بلکه صرفاً به موجب بند «ه» ماده ۳۰ قابل اعتراض از جانب پیمانکار است که با اعتراض نکردن وی با این خلأ قانونی راه برای تمدید باز خواهد شد. از دیگر سوی در شرایطی که به استناد بند ۱۰، درخواست تمدید مدت از طرف پیمانکار وجود داشته باشد، از آنجا که حسب ظاهر بند «ج» ماده ۳۰، امکان تمدید قرارداد در تأخیرات غیرمجاز وجود ندارد، کارفرما حق تمدید قرارداد را ندارد، اما سازوکار تشخیصی بند ۱۰ نیز مشخص نشده است و عملاً تبدیل به بندی بلااستفاده شده است. در این حالت آیا صرفاً کارفرما می‌تواند به استناد بندهای ۵ و ۶ فراز «الف» از ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان،^۱ به دلیل

۱. ماده ۴۶: «موارد فسخ پیمان:

الف. کارفرما می‌تواند در صورت تحقق هریک از موارد زیر پیمان را طبق ماده ۴۷ فسخ نماید: ...

۵. تأخیر در اتمام هریک از کارهای پیش‌بینی شده در برنامه تفصیلی، بیش از نصف مدت تعیین شده برای آن کار با توجه به ماده ۳۰.

۶. تأخیر در اتمام به مدت بیش از یک‌چهارم مدت پیمان با توجه به ماده ۳۰...

۸. بدون سرپرست گذاشتن کارگاه یا تعطیل کردن کار، بدون اجازه کارفرما، بیش از ۱۵ روز...

ماده ۴۷: «اقدامات فسخ پیمان:

تأخیرات غیرمجاز فسخ قرارداد را اعلام کند، یا می‌تواند مطابق قواعد عمومی الزام پیمانکار را به انجام کار بخواهد؟

با توجه به نحوه نگارش بند «الف» ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان مبنی بر اینکه کارفرما در موارد احصاء شده «می‌تواند» پیمان را فسخ کند، در حالی که در بند «ب» اظهار داشته است «کارفرما پیمان را فسخ می‌کند»، به کاربردن عبارت «می‌تواند» در بند «الف» نشان از آن دارد که وقوع موارد سیزده‌گانه در بند «الف» ماده ۴۶ که تأخیرات غیرمجاز پیمانکار نیز در آن قرار دارد، موجب اعطای فسخ اختیاری به کارفرما است. بنابراین کارفرما می‌تواند مطابق قواعد عمومی قراردادها از فسخ صرف‌نظر کند و الزام پیمانکار به انجام کار را بخواهد (برزویی و پرجمی، ۱۴۰۳: ۱۱۹-۱۱۸)، و از بابت تأخیرات غیرمجاز هم به استناد ماده ۵۰ خسارت تأخیر را هم از پیمانکار مطالبه کند.

مورد دیگر ناظر بر حالتی است که پیمانکار به دلیل پرداخت نشدن مطالباتش به استناد بند ۹ مستحق تمدید است. آیا با تصمیم کارفرما مبنی بر تمدید و بدون پرداخت مطالبات، پیمانکار همچنان مکلف به ادامه تعهدات قراردادی است و یا برای وی تا زمان پرداخت صورت وضعیت‌ها، حق تعلیق پیمان به وجود می‌آید؟ اگر پیمانکار بنا به دلایلی مانند پرداخت نشدن به موقع مطالبات از سوی کارفرما به موجب بند ۹، و یا سایر موارد خارج از قصور، درخواست تمدید مدت کند و درخواست خاتمه پیمان داشته باشد، آیا کارفرما می‌تواند رأساً قرارداد را تمدید کند؟ و یا برای پیمانکار حق فسخ وجود خواهد داشت؟

با توجه به آنکه طبق تفاسیر اولیه، مدت پیمان از موارد تعدد مطلوب و به نفع کارفرمای دولتی دانسته شده است، در نتیجه باید امکان تمدید به رغم درخواست نکردن تمدید از سوی پیمانکار وجود داشته باشد. با این حال، با عنایت به تعدد مطلوب بودن مدت در این قراردادها از یک طرف و محدود شدن اختیارات کارفرمای دولتی در تمدید از طرف دیگر، در این وضعیت، دو راهکار به نظر می‌رسد: اول، مجاز کردن تأخیرات و تمدید مدت پیمان بنابر تشخیص کارفرما؛ دوم، خاتمه پیمان از جانب پیمانکار به استناد ماده ۴۸.

در خصوص تمدید پیمان منبعت از تأخیرات پیمانکاران به موجب ماده ۳۰، فقط تصمیم کارفرما تعیین‌کننده وضعیت تمدید پیمان است. در واقع قانون‌گذار به خواسته پیمانکار هنگامی

الف. در صورتی که به علت بروز یک یا چند مورد از حالت‌های درج‌شده در ماده ۴۶، کارفرما پیمان را مشمول فسخ تشخیص دهد، نظر خود را با ذکر مواردی که به استناد آن‌ها پیمانکار را مشمول فسخ می‌داند، به پیمانکار ابلاغ می‌کند...

ب. کارفرما تضمین انجام تعهدات و تضمین حسن انجام کار کسر شده را ضبط و به حساب خزانه واریز می‌کند...

که علاقه‌ای به تمدید ندارد و خود را مستحق خاتمه پیمان می‌داند، توجهی نداشته است. فرض کنید کارفرما به تعهدات مالی خود عمل نکرده است و به موجب بند ۹ ماده ۳۰ قصد تمدید پیمان را دارد، در این وضعیت بدون توجه به پیمانکار ناراضی، به موجب بند «ج» پیمان را تمدید می‌کند. در آن هنگام عملاً راهی جز اعتراض بر اساس بند «ه» ماده ۳۰ و ارجاع موضوع به ماده ۵۳ (حل اختلاف) برای پیمانکار وجود نخواهد داشت که این موضوع نمی‌تواند منافع پیمانکاران را در مقابل کارفرمایان بدعهد تأمین کند. از طرفی تأخیر پیمانکار در انجام تعهدات خود به دلیل پرداخت نشدن مطالبات، وی را از برنامه زمانی خود مجدداً عقب می‌اندازد و راه برای اعمال ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان نسبت به وی باز می‌شود، در حالی که قصور اولیه به کارفرمای دولتی برمی‌گردد؛ امری که خلاف اقتضای عدالت و انصاف است (ویژه و تنگستانی، ۱۳۹۳: ۱۱۷-۱۱۵). حتی به موجب شرایط عمومی پیمان حق تعلیق پیمان نیز تا زمان وصول مطالبات معوق، به رسمیت شناخته نشده و در واقع سکوت شده است (زبیدی، ۱۳۹۸: ۱۶۸).

این موضوع در قراردادهای صنعت ساخت JCT^۱ و فیدیک و انجمن معماران آمریکایی^۲ منطقی‌تر است. در این قراردادها پیمانکار حق دارد در صورت عدم انجام تعهدات مالی کارفرما، پروژه را به حالت تعلیق در آورد، زیرا پیمانکار به واسطه دریافت نکردن مطالبات خود، از عهده اجرای ادامه پروژه بر نمی‌آید؛ در حالی که شرایط عمومی پیمان و ICE^۳ (مؤسسه مهندسان عمران) در صورت عدم پرداخت تعهدات کارفرما، اجازه تعلیق را به پیمانکاران نمی‌دهند (El-adaway et al., 2020: 3; Eggleston, 2008: 191; Bunni, 2005: 549). به عبارت دیگر وقتی کارفرما صورت وضعیت‌های پیمانکار را به موقع پرداخت نمی‌کند، ادامه اجرای پروژه برای پیمانکار دشوار می‌شود و تبعات مالی بسیاری در پی دارد که در JCT، فیدیک و قراردادهای عمرانی انجمن معماران آمریکا این مورد از موارد تعلیق کار از جانب پیمانکار شناخته شده است؛ یعنی علاوه بر آنکه پرداخت نکردن تعهدات مالی از سوی کارفرما در پرداخت صورت وضعیت‌ها از موارد تمدید مدت پیمان است، پیمانکار نیز می‌تواند دست از کار بکشد تا تعهدات مالی کارفرما به موقع پرداخت شوند. این مقرر در شرایط عمومی پیمان و ICE وجود ندارد و پیمانکار باید همچنان به کار خود ادامه دهد و نمی‌تواند کارگاه را ببندد و کار را تعلیق کند.

در مورد حق اعمال فسخ از جانب پیمانکار ناراضی در این شرایط، در نهایت سازمان برنامه و بودجه در خصوص پیمان‌های سرجمع از سال ۱۳۹۶ راهکاری را مقرر کرده است. قراردادهای پیمانکاری دولتی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: ۱. پیمان‌های سرجمع ۲. پیمان‌های مبتنی بر

1. Joint Contracts Tribunal

2. American Institute of Architects (AIA)

3. Institution of Civil Engineers

فهرست بها. پیمان‌های سرجمع نوعی از قراردادهای پیمانکاری اند که در آن‌ها مبلغی ثابت برای اجرای پروژه‌ای مشخص با ابعاد و شکل محدود به کار می‌رود. اما در قراردادهای فهرست بهایی، پیمانکار بر اساس نقشه‌ها و مشخصات فنی، قیمت را به کارفرما پیشنهاد می‌دهد و قیمت‌گذاری بر اساس فهرست بها و اجزای کار صورت می‌گیرد. انعقاد پیمان‌های سرجمع بر اساس بخشنامه شماره ۹۶/۱۲۹۹۱۸۸ مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۴ سازمان برنامه و بودجه در مورد قراردادهای اجرای ساختمان با سطح زیربنای تا ۴۰۰ مترمربع الزامی است. به موجب بند «و» ماده ۱۲ همین بخشنامه، در صورتی که مطالبات ناخالص تأیید شوند، پیمانکار از ۱۵ درصد مبلغ اولیه پیمان تجاوز کند و یا خسارات تأخیر تأدیه به پیمانکار از ۲/۵ درصد مبلغ اولیه پیمان فراتر رود، پیمانکار می‌تواند بر اساس ماده ۴۸، فسخ پیمان را اعلام کند. در حالی که قبل از بخشنامه ناظر بر پیمان‌های سرجمع، مطابق با شرایط عمومی پیمان حق فسخی برای پیمانکار پیش‌بینی نشده بود (قربانی و شوکتی، ۱۳۹۸: ۷۵). متن ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان حاکی از وجود حق فسخ یک‌طرفه صرفاً برای کارفرمای دولتی است.^۱ این ماده همچنان نسبت به قراردادهای فهرست بها حاکم است و مانع عدم امکان فسخ پیمان از سوی پیمانکار با وجود قصور کارفرمای دولتی در پرداخت نکردن مطالبات پیمانکار وجود دارد.

در نتیجه، اگر کارفرما بدون درخواست پیمانکار تمدید مدت کند و یا برعکس، برای پیمانکار امکان اعتراض طبق بند آخر ماده ۳۰ و ارجاع اختلاف به داوری وجود دارد. این در حالی است که در قراردادهای فیدیک، امکان تمدید قرارداد بدون درخواست پیمانکار وجود ندارد.^۲ علاوه بر این، اگر برای پیمانکار به موجب بند «و» ماده ۱۲ بخشنامه شماره ۹۶/۱۲۹۹۱۸۸ مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۴ سازمان برنامه و بودجه در پیمان‌های سرجمع به دلیل تأخیر در پرداخت مطالباتش حق اعمال ماده ۴۸ برای خاتمه قرارداد پدیدار شده باشد، می‌تواند طی تشریفات قانونی مقرر به رغم اراده کارفرما برای تمدید، خاتمه قرارداد را به کارفرما ابلاغ کند. در نهایت، اگرچه منعی در شرایط عمومی پیمان برای تمدید پیمان بدون اراده پیمانکار وجود ندارد و طبق قواعد عمومی قراردادها، کارفرمایی که مدت قرارداد به نفع وی است، می‌تواند تمدید آن را با مجاز کردن تأخیرات بخواهد، موانع حقوقی ذکر شده مانع از تمدید مدت در قراردادهای سرجمعی خواهند شد که پیمانکار به استناد حق خاتمه پیمان، آن را فسخ کرده است. در مقابل، در صورت درخواست تمدید پیمانکار به استناد بند ۱۰ و

۱. ماده ۴۸: «خاتمه پیمان: هرگاه پیش از اتمام کارهای موضوع پیمان، کارفرما بدون آنکه تقصیری متوجه پیمانکار باشد، بنا به مصلحت خود یا علل دیگر، تصمیم به خاتمه دادن پیمان بگیرد، خاتمه پیمان را با تعیین تاریخ آماده کردن کارگاه برای تحویل، که نباید بیشتر از ۱۵ روز باشد به پیمانکار ابلاغ می‌کند...»

2. <https://fidic.org/content/extension-time>

تمدید نکردن از جانب کارفرما، این امکان وجود دارد که از طریق رأی داوری موضوع ماده ۵۳ و در قالب مجاز شناختن تأخیرات، کارفرما به تمدید پیمان ملزم شود.

نتیجه گیری

اقتضای طبیعت اجرای موضوع پیمان به گونه ای است که نیازمند زمان است و این زمان باید در قرارداد مشخص باشد. بررسی جایگاه زمان در قراردادهای پیمان و پیش بینی خسارت تأخیر و مصادیق مختلفی که به موجب ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان برای کارفرما حق تمدید پیمان را قائل شده است، حاکی از تعدد مطلوب بودن شرط زمان اجرای قراردادهای پیمانکاری دولتی است.

تفاوت افزایش مدت قرارداد در شرایط عمومی پیمان با قواعد عمومی قراردادهای ناشی از وضعیت خاص قراردادهای اداری است، چراکه در قراردادهای پیمانکاری دولتی در نظر گرفتن مصلحت و منافع جامعه، قانون گذار را ملزم به وضع مقررات حمایتی می کند. در راستای رویکرد حفظ منفعت عمومی، تمدید قرارداد پیمانکاری بر اساس شرایط عمومی پیمان مبتنی بر تأخیرات مجاز پیمانکار است و قانون گذار با احصای موارد تأخیرات مجاز سعی در ضابطه مند کردن این موارد داشته است. در صورت احراز تأخیرات مجاز، پیمانکار مستحق تمدید مدت شناخته شده است. تمدید مدت قانونی ناشی از تکلیفی است که قانون گذار صرفاً در تأخیرات مجاز به رسمیت شناخته است، بنابراین این تمدید به معنای تجدید قرارداد با پیمانکار نیست. همچنین عنوان انتخابی ماده ۳۰ با عبارت «تغییر مدت» نباید این موضوع را به ذهن متبادر سازد که تفاوتی بین مفهوم «تغییر مدت» و «تمدید مدت» وجود دارد. به عبارت دیگر، تمدید مدت چیزی جدا از موارد ده گانه نیست و طرفین پیمان نمی توانند با توافق یکدیگر خارج از مصادیق ده گانه قرارداد را تمدید کنند، بلکه با توجه به قسمت اخیر بند «ج» ماده ۳۰ هر دو مفهوم به یک معنا و تابع شرایط یکسان اند. قانون گذار فقط در پیمانهای سرجمع حقوق بیشتری برای خاتمه پیمان برای پیمانکاری که درخواست تمدید در تأخیرات مجاز خود نداده است، قائل شده است. موضوعی که خلا آن در پیمانهای فهرست بها به شدت به چشم می خورد و اصلاح آن پیشنهاد می شود.

جزء ۱۰ بند «الف» ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان، یعنی امکان تمدید پیمان به تشخیص کارفرما در سایر موارد خارج از قصور پیمانکار، می تواند سبب ایجاد سوء استفاده از این مقرر شود و راه را برای تمهیدهای بی ضابطه باز کند که در این خصوص نیاز به اصلاح بخشنامه و تفصیل بیشتر موارد تأخیرات مجاز است تا از کلی گویی، پرهیز و مانع از طرح ادعاهای بی مورد از طرف پیمانکار برای تمدید پیمان و تمهیدهای بی ضابطه از جانب کارفرما شود و این گونه به هدف غایی خود که حفظ بودجه عمومی کشور است، نزدیک تر شود. از طرف دیگر پیش بینی نکردن حق تعلیق پیمان

برای پیمانکاری که در موارد تأخیرات مجاز پیمان مستحق تمدید پیمان است و کارفرمای دولتی که مطالباتش را نمی‌پردازد، خلاف اقتضای عدالت و انصاف است که اصلاح شرایط عمومی پیمان و درج این حق برای پیمانکار گامی دیگر در مسیر عدالت است.

منابع

۱. آخوند خراسانی. (۱۳۸۶). کفایه الاصول، جلد ۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲. اسلامی‌پناه، علی و علانی، آسیه. (۱۴۰۱). بررسی فقهی و حقوقی حق فسخ در بطلان جزئی قرارداد با مطالعه تطبیقی در حقوق کامن لا، مجله تحقیقات حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۵.
۳. اسعدی‌نژاد، احمدرضا؛ شیروی خوزانی، عبدالحسین؛ منتظر، مهدی و جعفرپور، کورش. (۱۴۰۲). حدود الزام طرفین در رسیدن به توافق در مذاکره مجدد قراردادهای نفتی بین‌المللی، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۶، شماره ۵۹، ۲۵-۵۰.
۴. اسماعیلی هریسی، ابراهیم. (۱۳۹۶). مبانی حقوقی پیمان، تهران: جاودانه.
۵. انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی. (۱۳۸۸). مجموعه دانشنامه حقوق: دانشنامه حقوق خصوصی، جلد اول، چاپ سوم، تهران: جنگل، جاودانه.
۶. اوجاقلو، رسول. (۱۴۰۳). شرایط عمومی پیمان در نظام حقوقی ایران با بررسی رویه قضایی، تهران: دادستان.
۷. بخشنامه شماره ۵۴/۸۴۲-۱۰۲/۱۰۸۸ مورخ ۱۳۷۸/۰۳/۰۳ سازمان برنامه و بودجه؛ موافقت‌نامه، شرایط عمومی و خصوصی پیمان‌ها و مقررات آن‌ها.
۸. برزویی، عباس و پرجمی جلال، مجید. (۱۴۰۳). بازخوانی فسخ پیمان موضوع ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان نشریه ۴۳۱۱، فصلنامه قضاوت، دوره ۲۴، شماره ۱۱۸، ۱۰۶-۱۲۸.
۹. بیگلری، سعید. (۱۳۸۸). تعدیل قرارداد، تهران: میزان.
۱۰. پاکباز، سیامک. (۱۴۰۱). شرح قانون مدنی فرانسه با اصلاحات ۲۰۱۶، تهران: میزان.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۴۰۱). حقوق تعهدات، تهران: گنج دانش.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت: حقوق تعهدات، عقود و ایقاعات، جلد اول، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۳. دادنامه شماره ۱۳۳۰/۴۵۰۱۳۴۳۹۰۰۴۵۰/۱۱/۰۸/۱۴۰۱، شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی بخش سنگر.
۱۴. دارویی، عباسعلی. (۱۳۹۹). ماهیت و اعتبار تعهد تمدید قرارداد، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۲، شماره ۲۲، ۲۶۳-۲۸۶.
۱۵. دستورالعمل انعقاد پیمان اجرای کارهای ساختمانی به صورت سرجمع شماره ۱۲۹۹۱۸۸/۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۰۴ سازمان برنامه و بودجه کشور.
۱۶. رجبی، عیسی و اونق، شهرزاد. (۱۳۹۹). الزام‌آوری شرط داوری موضوع بند «ج» ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۴، شماره ۱۱، ۸۹-۱۰۶.
۱۷. رحیمی، حبیب‌الله و علیزاده، سعیده. (۱۳۹۶). ماهیت و مبنای تعدیل در قراردادهای پیمانکاری در حقوق ایران و فیدیک، پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۶، شماره ۲۱، ۱۴۷-۱۷۵.
۱۸. رستمی، ولی و مجیبی‌فر، محمدصادق. (۱۳۹۴). داوری در قراردادهای پیمانکاری دولتی، فصلنامه حقوق اداری، دوره ۲، شماره ۸، ۵۹-۸۲.
۱۹. زبیدی، مریم. (۱۳۹۸). تعلیق قرارداد پیمان و آثار آن با رویکردی به شرایط عمومی پیمان، مجله مطالعات علوم

- سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۵، شماره ۱.
۲۰. شعاریان ستاری، ابراهیم. (۱۳۷۹). *مجموعه مقالات حقوقی - تطبیق آزادی قراردادهای، تبریز: فروزش*.
۲۱. شهابی، علی؛ صفایی، سیدحسین؛ اخلاقی، بهروز و امینی، منصور. (۱۴۰۰). *مطالبه خسارت عدم انجام تعهد پس از فسخ قرارداد، مطالعات حقوقی، دوره ۱۳، شماره ۱، ۱۴۹-۱۷۵*.
۲۲. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۰). *حقوق مدنی - جلد اول: تشکیل قراردادها و تعهدات، چاپ دوم، تهران: مجد*.
۲۳. قربانی، علی و شوکتی گورابی، فاطمه. (۱۳۹۸). *بررسی تفاوت‌های شرایط عمومی پیمان کشور (نشریه ۴۳۱۱) و شرایط عمومی پیمان فیدیک، از منظر مهندسی ارزش به منظور ریشه‌یابی بروز ادعای پیمانکاران، نشریه عمران و پروژه، سال اول، شماره ۲*.
۲۴. قسمتی تبریزی، علی. (۱۴۰۴). *شناسایی تعهدات تخریری و بدلی در آرای دیوان عدالت اداری، فصلنامه قضاوت، دوره ۲۵، شماره ۱۲۴، ۸۹-۱۰۸*.
۲۵. صفایی، سیدحسین. (۱۳۹۹). *دوره مقدماتی حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای، جلد ۲، تهران: میزان*.
۲۶. طباطبایی مومتمنی، منوچهر. (۱۳۸۴). *مفهوم، انواع و قواعد حاکم بر قراردادهای عمومی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۷*.
۲۷. قهرمانی، نصرالله و شمس، شهرزاد. (۱۳۹۳). *دعای ناشی از شرایط عمومی پیمان، چاپ اول، تهران: خرسندی*.
۲۸. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). *حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای، جلد ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار*.
۲۹. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). *حقوق مدنی: ایقاع، چاپ دوم، تهران: دادگستر*.
۳۰. محمدکریمی، شهریار و حسینعلی پور، سیدمجتبی. (۱۳۸۹). *بررسی موضوع تمدید زمان در مفاد قراردادهای بین‌المللی و مقایسه آن با شرایط عمومی پیمان، مجله مهندسی عمران دانشگاه آزاد، شماره ۲*.
۳۱. محمدی، ابوالحسن. (۱۳۸۵). *قواعد فقه، تهران: میزان*.
۳۲. نعیمی، سیدمرتضی. (۱۴۰۱). *قواعد عمومی قراردادهای به زبان ساده، رشت: طاعتی*.
۳۳. مولائی، آیت. (۱۴۰۰). *ریل‌گذاری قراردادهای اداری از طریق قراردادهای اجباری در ایران، مجله مطالعات حقوقی، دوره ۱۳، شماره ۲*.
۳۴. ویژه، محمدرضا و تنگستانی، محمدقاسم. (۱۳۹۳). *حق فسخ و انفساخ قراردادهای پیمانکاری دولتی، مجله مطالعات حقوق خصوصی، سال ۴۴، شماره ۱*.
۳۵. هداوند، مهدی و جم، فرهاد. (۱۴۰۳). *تغییر در فیدیک و شرایط عمومی پیمان ایران، تهران: نیبسا*.

36. Bunni, N. (2005). *The Fidic Forms of Contract*, UK: Blackwell.

37. Eggleston, B. (2008). *The ICE Conditions of Contract*, UK: Blackwell.

38. <https://www.top.legal/en/knowledge/contract-renewal-vs-contract-extension>

39. El-adaway, I. H; Ascel, F; Vance R. A; and Abotaleb, I. S. (2020). "A.M.ASCE3, Understanding Extension of Time under Different Standard Design-Build Forms of Contract", J. Leg. Aff. Dispute Resolut. Eng. Constr, 12(1), 04519031.

40. Terre, F; Simler, Ph; Lequette, Y and Chenede, F. (2019). *Droit Civil: Drois des Obligations*, 12 edition; Daloz